

پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی -

سیدمصطفی مطهری، رضا یاری

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۰ - ۳۹

پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی

سید مصطفی مطهری *

رضا یاری **

چکیده: این گفتار، مروری است بر میراث مکتوب بازمانده از ۹۴ تن راویان امام رضا علیه السلام که به تفکیک انواع نوشته‌ها معرفی شده است. که نوشته‌اند. نمونه یک نسخه کتاب المسائل از حسین بن مهران، و نسخه عبدالله بن محمد تمیمی رازی در پی آمده است. مبنای اصلی مقاله، دو کتاب رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام ° میراث مکتوب / راویان امام رضا علیه السلام ° آثار / المسائل حسین بن مهران (کتاب) / نسخه عبدالله بن محمد تمیمی رازی (کتاب) / رجال نجاشی (کتاب) / فهرست طوسی (کتاب).

*. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث.

Reza_yari_57@yahoo.com .()

**. *

پژوهش درباره تراث (میراث فرهنگی و معنوی) روایی شیعه می‌تواند نتایج پرفایده‌ای را در معرفی و شناخت عمیق‌تر از معارف امامیه رقم بزند. در میان این تراث علمی، آثار مکتوب انتقال یافته از امام رضا علیه السلام ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که پژوهش‌های جدیدی را ضروری می‌نماید.

علاوه بر انتقال تراث منقول از آن امام همام در قالب‌های گوناگون، مجموعه‌های انتقال یافته، به لحاظ کمی نیز، از ضابطه‌مندی بیشتری در نشر برخوردار هستند. در این راستا باید به نقش برجسته و ممتاز دو عالم بزرگ شیعی، ثقة‌الاسلام کلینی و شیخ صدوق در بهره‌گیری و انتقال حداکثری این میراث توجه نمود. همچنین دقت‌های کم نظیر مرحوم نجاشی و شیخ طوسی در ارائه گزارش‌های روشن و دقیق از مجموعه تراث علمی شیعه خصوصاً این تراث، علاوه بر کاستن از دشواری‌های عرصه بازسازی تراث، به شناخت جامع‌تری از آثار امام رضا علیه السلام کمک کرده است.

نوشته حاضر توضیحات کوتاهی درباره یکی از همین گروه فعالیت‌های متمرکز در عرصه بازخوانی تراث منقول از امام رضا علیه السلام است که بر اساس دو کتاب فهرستی پیش گفته در حال تکمیل است. این تلاش دو محور اصلی دارد: محور نخست عهده دار معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار شامل کتاب، مکاتبه، نسخه، رساله، مسند، نسخه است.

محور دوم به ارائه آگاهی‌هایی از قبیل شخصیت‌شناسی صاحب اثر، طرق به اثر یا آثار و نیز بازشناسی این آثار در قالب‌های ذکر شده می‌پردازد. آنچه در پی می‌آید، مختصری از شیوه مورد استفاده در این فعالیت به همراه معرفی صاحبان تراث رضوی و انواع قالب‌های اولیه این آثار است که دو نمونه از آن - شامل دو نوشته با قالب‌های مسائل و نسخه - نیز ارائه شده‌اند.

لازم به ذکر است نتیجه فعالیت حاضر، در قالب یک کتاب جامع، در پژوهشگاه کلام اهل بیت وابسته به پژوهشگاه قران و حدیث، در آستانه چاپ قرار دارد.

۱. شیوه کار

کلیات شیوه مورد استفاده در این فعالیت چنین بوده است:

۱-۱. تهیه فهرستی از تراث رضوی، بر اساس داده‌های دو عالم و فهرست نگار بزرگ شیعه، شیخ طوسی و مرحوم نجاشی.

از آنجا که کتاب فهرستی مرحوم نجاشی نسبت به گزارشهای شیخ، حاوی گزارشهای کاملتری درباره تراث رضوی به لحاظ کمی و کیفی است، به عنوان محور اصلی ارجاعات قرار گرفته و گزارشهای شیخ طوسی به عنوان تکمله آن بیان شده است. به عبارت دیگر آنجا که مرحوم نجاشی متذکر اثری منقول از امام رضا علیه السلام نشده، از گزارش شیخ استفاده شده است. بنابراین در این مرحله، این دیدگاه که نجاشی کتاب خود را ناظر به فهرست شیخ نوشته، چندان مورد لحاظ واقع نشده است، زیرا هدف اطلاع یافتن از همه گزارشهای مربوط بوده است.

۱-۲. بررسی‌هایی درباره روایات رضوی مصنفانی که گزارشی از آثار آنان در دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی ارائه شده است. این بررسی در دو بخش انجام شده است:

بخش نخست در مورد گروهی از اصحاب امام رضا علیه السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/کتب ذکر کرده‌اند، اما آن را مستقیماً به امام رضا علیه السلام منسوب نکرده‌اند. در این بخش بررسی‌های محدودی - بر اساس کتب اربعه و وسائل الشیعه صورت گرفته است تا برخی موارد مانند ارزیابی انتقال تراث ایشان به این کتب مشهوره مشخص، و زوایای این دست گزارشها روشن تر شود.

بخش دوم درباره گروهی از اصحاب امام رضا علیه السلام است که نجاشی یا شیخ طوسی برای آنان کتاب/ کتب ذکر کرده‌اند و آن را مستقیماً به امام رضا علیه السلام منسوب کرده‌اند. در این مرحله ابتدا همانند مرحله پیشین عمل شده است. این بخش هدف اصلی کار بوده است، لذا گردآوری مجموعه روایات مربوط به قالب‌های مختلف تراث رضوی با لحاظ پیشینه این گروه تلاش‌ها و توجه به مواردی همانند جمع‌آوری، یکسان‌سازی و گزینش انجام شده است.

۳-۱. در مرحله بعد توضیحاتی درباره شخصیت‌شناسی صاحب اثر، بررسی گزارشها از نحوه انتساب اثر یا آثار و طرق به آن در صورت نیاز، و به تناسب موارد، بر اساس دو کتاب فهرستی نجاشی یا شیخ طوسی و نیز مجامع روایی صورت پذیرفته است.

۲. معرفی گونه‌های تراث امام رضا علیه السلام

بی‌تردید تلاش اصحاب امامیه در بهره‌گیری از علم عالم اهل بیت علیهم السلام چه در شرایط پیچیده پس از شهادت امام کاظم علیه السلام و چه پس از آن و در دوران هجرت امام از مدینه به مرو، امری پر واضح است^۱. همچنین روند گسترش شهرهای شیعی و بسط ید آن امام، خصوصاً در دوران مأمون عباسی تاثیر بسزائی در نشر معارف امامیه داشته است. به همین جهت، تلاش فزاینده عالمان و اصحاب امامیه در بهره‌مندی از دانش آن حضرت، سبب پدید آمدن قالب‌های گوناگون و متنوع میراث روایی امام رضا علیه السلام شد که به جرات می‌توان گفت در میان همه اهل بیت علیهم السلام تنوع قالبی و دقت بیشتری در سطح انتقال دارد.

۱. نمونه‌ای از اوج این بهره‌گیری را می‌توان در جریان نقل روایت *سلسلة الذهب* مشاهده نمود. تعداد گزارشگران از جریان ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور در منابع اهل سنت، ده هزار نفر (خنجی اصفهانی، بی تا: ۳۴۵)، بیست هزار نفر (ابن صباح مالکی، ۹۰۰۹: ۲۴۳؛ ابن جر هیثمی، ۷۴۷۷، ۳: ۵۹۵؛ مهودی، ۷۰۰۷: ۳۴۴)، سی هزار نفر (خنجی اصفهانی، ۲۲۹: ۷۳۷۵) گزارش شده، و البته روایت بیست هزار مشهور است.

البته ممکن است عناوین و الفاظ بکار رفته در گزارشهای کتب فهرستی درباره این تنوع قالب‌ها، به لحاظ تعریف علمی هم‌پوشانی داشته باشند، ولی برای رعایت امانت در نحوه گزارش این گروه کتب، همان عناوین و الفاظ را در مسیر مطالعات به کار گرفتیم.

۱-۲. کتاب^۱

بیشترین عنوان به کار رفته در مجموع گزارش‌ها، به واژه «کتاب» اختصاص دارد که خود شامل دو گونه می‌شود:

الف: کتاب‌هایی که به جهت کیفیت انتساب به راوی و امام، به روشنی در بردارنده کلام امام رضا علیه السلام است. برای نمونه می‌توان به کتاب داود بن سلیمان اشاره نمود که نجاشی در ترجمه وی چنین آورده است: «له کتاب عن الرضا علیه السلام».^۲

ب: کتاب‌هایی که به احتمال زیاد حاوی روایاتی از چند امام از جمله امام رضا علیه السلام می‌باشد. این احتمال، از آنجا ناشی می‌شود که مصنف، در شمار راویان از امام رضا علیه السلام یاد شده، اما کتاب او همانند قسم اول به صورت مستقیم به امام نسبت داده نشده است. برای نمونه نجاشی در ترجمه «ابراهیم ابی الکرام» و «ابراهیم بن ابی محمود» آورده است: «روی عن الرضا علیه السلام، له کتاب».^۳ در این موارد بر اساس جستجوهای انجام شده می‌فهمیم که راوی/ مصنف دارای روایاتی با سند واحد از امام رضا علیه السلام و از امام دیگر

۱. در تعریف این کلمه، گفته‌اند: ان الكتاب مستعمل في كلمات الرجالين في معناه المتعارف، و هو اعم مطلقا من الاصل و النوادر (فوائد الوحيد، ص ۳۲-۳۳). يطلق على الاصل كثيرا، و ربما يطلق في مقابل الاصل، و ربما يطلق على النوادر في مقابل الكتاب (فوائد الوحيد، ص ۳۲-۳۳). قيل: الكتاب ما كان فيه كلام المعصوم و كلام مصنفه ايضا (فوائد الوحيد، ص ۲۳). قيل: الكتاب ما كان مبوبا و مفصلا (فوائد الوحيد، ص ۳۴). ان الكتاب اعم من الاصل (عده الرجال، ج ۱، ص ۹۵؛ نهاییه الدراییه، ص ۵۲۹). الكتاب اعم مطلقا من الاصل و النوادر، بل الجميع حتى التصنيف و التالیف فی العرف المتأخر، و ان كان احیانا يطلق بعضها علی بعض، اما للمناسبة او بناء علی خلاف الاصطلاح المتجدد (توضیح المقال، ص ۲۳۵؛ مقیاس الهدایه، ج ۳، ص ۳۲-۳۳). به نقل از کتاب معجم مصطلحات الرجال و الدراییه، ص ۱۲۵-۶۲۶.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۶۱، ۴۲۶.

۳. همان، ص ۲۱، ۲۹ و ص ۵۵، ۴۳.

است که مجموع این روایات بر اساس معیارهای بازیابی متون، کتاب مصنف مورد نظر را سامان می‌دهد. برای نمونه می‌توان به روایت سلیمان بن جعفر بن ابراهیم اشاره کرد. ۲- ۲. مسائل^۱ / مکاتبه^۲

اصحاب امامیه پرسش‌های خود را از امامان، گاه به صورت شفاهی و گاه به صورت کتبی پرسیده‌اند. این مسائل، گاه در طول زمان و یا یکجا مطرح شده است. مانند مسائل محمد بن سنان و مسائل احمد بن عمر الحلال. نجاشی، درباره ارتباط این گروه نوشته‌ها با امامان چنین می‌آورد: «له عنه عليه السلام مسائل^۳». البته ممکن است این نحوه پرسش در مواردی به نحو مکاتبات نیز بوده است، اما به نظر می‌رسد حجم میان مسائل و مکاتبات متفاوت باشد. در نمونه دیگر نجاشی در ترجمه «محمد بن احمد بن عبدالله بن مهران»، مکاتبه‌ای را برای پدر وی در ارتباط با امام رضا عليه السلام گزارش کرده است.^۴ البته در ترجمه «احمد بن عبدالله»، تنها از دو کتاب برای وی خبر می‌دهد^۵ که بعید است مکاتبه مذکور یکی از آن دو کتاب باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. هی مجموعه مختصة بما سألها صاحب الكتاب من احد الائمة في مسائل متفرقة. معجم مصطلحات الرجال و الدراية، ص ۱۵۶.
۲. هو ما حكي كتابية المعصوم سواء كتبه ابتداء لبيان حكم او غيره، او في مقام الجواب. و هل يخص بكون الكتابية بخطه الشريف؟ ظاهر بعض العباير و صريح اخر الاختصاص، و التعميم غير بعيد. لب اللباب (میراث حدیث شیعه، دفتر دوم)، ص ۴۵۵؛ توضیح المقال، ص ۲۷۶؛ مقیاس الهیایة، ج ۱، ص ۲۸۳.
۳. رجال النجاشی، ص ۹۹، ر ۲۴۸ و ص ۳۲۸، ۸۸۸.
۴. همان، ص ۳۴۶، ر ۹۳۵.
۵. همان، ص ۳۴۶.

۳-۲. مسند^۱

امام رضا علیه السلام بر اساس ضروریات زمان و مخاطب، گاه در بیان روایت، آن را به اسناد خود از پدرانشان از پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می‌کردند. در این باره شیخ طوسی، از مسندی از امام رضا علیه السلام در ترجمه «اسماعیل بن علی» نام برده است.^۲

۴-۲. رساله^۳

امامان شیعه گاه بر اساس ضرورت‌های زمانی، نوشته‌هایی را به یکی از اصحاب/ اشخاص در قالب نامه/ رساله ارسال می‌نمودند، همان‌گونه که گاه رساله‌هایی از طرف اصحاب/ اشخاص به ایشان ارسال می‌شده است. نمونه‌ای از این رساله‌ها، نامه‌ای از امام رضا علیه السلام به ابراهیم بن ابی البلاد است که نجاشی آن را چنین می‌آورد: «کان للرضا علیه السلام الیه رسالة».^۴ البته رساله‌ها گاه همپوشانی‌هایی با مسائل/ مکاتبه‌ها دارند.

۵-۲. نسخه^۵

نجاشی از گروهی مکتوبات با عنوان نسخه یاد کرده است که به احتمال، مراد وی، تمیز میان آثار یک مولف و یا نسخه‌های یک مجموعه نقل شده از یک مصنف

۱. هو الحدیث الذی اتصل سنده مرفوعاً من رویه الی منتهاه الی المعصوم، و اکثر ما يستعمل فی ما جاء عن النبی. و یقال له: «المتصل» و «الموصول» ایضاً. *الرعاية فی علم الدراية*، ص ۹۶؛ *وصول الاخبار*، ص ۱۰۰؛ *الرواشح السماویة*، ص ۷۲۷؛ *جامع المقال*، ص ۴؛ *توضیح المقال*، ص ۲۷۲؛ *نهاية الدراية*، ص ۱۸۶؛ *مقیاس الهدایة*، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. الفهرست، ص ۳۲، ر ۳۷.

۳. هی المراسلات التي جرت بين الاصحاب و الائمة، و حفظت و دونت حول مسألة واحدة غالباً، او موضوع معين. *الرسالة من قبلهم* تقضى بعدالة الرجل و وثاقته *(تنقیح المقال)*، ج ۱، ص ۲۱۰. *الرسالة من قبلهم* علیه السلام لیست بدلیل علی حسن *(قاموس الرجال)*، ج ۱، ص ۷۰. به نقل از *معجم الرجال* ص ۶۸.

۴. نجاشی، ص ۲۲، ر ۳۲.

۵. هی عنوان عام لبعض رسائل صغيرة من مؤلفات القرون الاولى، تحتوي علی مسائل و احكام عملية دينية، فهی من مصادر التشريع، وهی كالاصول الاربعمنة، يرويها الراوى لها عن مصنفه مع الوساطه، فيعبر عنها بنسخة فلان عن فلان ... فعلم النسخه اسم لكتاب جمع فيه احكام تاسيسييه وضعها الامام و املاه علی الروارى، في قبال الاصل الذی هو كتاب جمع فيه احكام امضائيه، نقلها الراوى (وهو المصنف للاصل او الراوى عن آيائه) ثم عرضها علی الامام، و اخذ تاييده لها *(النريعه)*، ج ۴۴، ص ۱۴۸. ان نسخه قريبيه من الاصل في كونها مروية *(النريعه)*، ج ۴۴، ص ۳۱۸. به نقل از *معجم مصطلحات الرجال و الدراية*، ص ۱۸۳.

بوده است. یکی از بارزترین نمونه‌های این مطلب را می‌توان در ترجمه «احمد بن عامر بن سلیمان» مشاهده نمود.^۱

۳. فهرست تراث رضوی

هر چند تعداد راویان از امام رضا علیه السلام بیش از تعداد کسانی است که گزارش آثار آنها ارائه شده است، با این همه می‌توان از فهرست زیر - که بر اساس دو فهرست مرحوم نجاشی و شیخ طوسی فراهم شده است - به عنوان مجموعه گزارش شده از آثار روایی منسوب به امام رضا علیه السلام یاد نمود.

در جدول زیر، عنوان صاحب اثر (به ترتیب الفبای افراد)، ارجاع به کتاب فهرستی مرحوم نجاشی و یا فهرست مرحوم شیخ طوسی = «ست» و بیان قالب اثر ارائه شده است. همچنین کتاب، مشتمل بر روایات، مواردی است که فهرستین به نقل روایت راوی از امام رضا علیه السلام تصریح یا اشاره کرده‌اند و برای آن راوی نگاشته‌ای را بصورت مستقیم به امام منتسب نکرده‌اند. در این موارد، از تعبیر «کتاب مشتمل بر روایات» و با رمز «*» استفاده شده است که می‌رساند نقل روایت از امام رضا علیه السلام منحصر به نقل آن کتاب توسط آن راوی نیست.

پژوهشی در تراث رضوی علیه السلام بر مبنای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی

۱. رجال النجاشی، ص ۱۰۰، رقم ۵۰.

صاحب اثر	شماره صفحه در رجال نجاشی ^۱	قالب نگاشته بر اساس فهرستین
۱. ابراهیم بن ابی البلاد	۲۲	رساله
۲. ابراهیم بن ابی الکرام	۲۱	کتاب مشتمل بر روایات
۳. ابراهیم بن ابی محمود	۲۵	*
۴. ابراهیم بن بشر	۲۳	مسائل
۵. ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق	۱۱ ست	*
۶. أحمد بن الحسن بن إسماعیل	۷۴	*
۷. أحمد بن عامر بن سلیمان	۲۲۹ و ۱۰۰	نسخه
۸. أحمد بن عبدالله بن مهران	۳۴۶	مکاتبه
۹. أحمد بن عمر الحلال	۹۹	مسائل
۱۰. أحمد بن عمر بن أبی شعبة	۹۸	*
۱۱. أحمد بن محمد بن عمرو	۷۵	کتاب ^۲
۱۲. إدريس بن عبد الله بن سعد	۱۰۴	*
۱۳. إسحاق بن آدم بن عبد الله	۷۳	*
۱۴. إسماعیل بن علی (بن علی)	۳۳ ست	مسند
۱۵. إسماعیل بن مهران بن ابی نصر	۲۷	*
۱۶. إسماعیل بن همام بن عبد الرحمن	۳۰	*
۱۷. الحسن بن الجهم بن بکیر	۵۰	*
۱۸. الحسن بن علی بن زیاد	۴۰	مسائل
۱۹. الحسين بن سعيد بن حماد	۱۵۰ ست	*
۲۰. الفضل بن شاذان بن الخلیل	۳۰۷	[کتاب العلل و *]
۲۱. جعفر بن بشیر البجلی	۱۱۰ ست	کتاب

۱. شماره‌های صفحات، مطابق با کتاب رجال نجاشی است که به عنوان محور بحث قرار داده شده است. در صورتی که عنوان مذکور تنها بر گرفته از فهرست شیخ طوسی باشد در همان جا با تعبیر «ست» به همراه شماره صفحه آن، از این مصدر یاد می‌شود.

۲. عنوان «کتاب» بر اساس انتساب مستقیم کتاب آن راوی به امام رضا علیه السلام می‌باشد.

۲۲.	حبیب بن المعلل الخثعمی	۱۴۱	*
۲۳.	الحسن بن علی بن فضال	۲۵۸ و ۳۶	کتاب یا نسخه
۲۴.	الحسن بن محبوب السراد	۱۲۳ است	*
۲۵.	الحسن بن محمد بن الفضل	۵۱	نسخه و *
۲۶.	الحسن بن محمد بن سهل النوفلی	۳۸	[کتاب] مجالس و کتاب
۲۷.	الحسین بن محمد بن الفضل	۵۶	[کتاب] مجالس
۲۸.	الحسین بن مهران بن محمد	۵۶	مسائل
۲۹.	حمدان بن المعافی أبو جعفر	۱۳۸	*
۳۰.	حمزه بن یعلی الأشعری	۱۴۱	*
۳۱.	دارم بن قبیصه بن نهشل	۱۶۲	*
۳۲.	داود بن القاسم الجعفری	۱۸۲	مسائل
۳۳.	داود بن سلیمان بن جعفر	۱۶۱	کتاب
۳۴.	داود بن علی الیعقوبی	۱۶۰	*
۳۵.	داود بن کثیر الرقی	۱۵۶	*
۳۶.	الریان بن الصلت	۱۶۵	*
۳۷.	زکریا بن إدیس بن عبد الله	۱۷۳	*
۳۸.	زکریا بن آدم بن عبد الله	۱۷۴	مسائل و *
۳۹.	زیاد بن مروان أبو الفضل	۱۷۱	*
۴۰.	سعد بن سعد بن الأحوص	۱۷۹	مسائل و *
۴۱.	سعد خادم أبي دلف	۲۱۶ ست	مسائل
۴۲.	سعید بن جناح	۱۹۲	*
۴۳.	سعید بن جناح الأزدی	۱۸۲	*
۴۴.	سلیمان بن جعفر بن إبراهيم	۱۸۳	*
۴۵.	صباح بن نصر الهندی	۲۰۲	مسائل
۴۶.	صفوان بن یحیی ابو محمد	۱۹۸	*
۴۷.	العباس بن هلال الشامی	۲۸۲	نسخه
۴۸.	عبد الرحمن بن أبي نجران	۲۳۶	*

۴۹	عبد السلام بن صالح	۲۴۵	کتاب
۵۰	عبد العزيز بن المهتدي	۲۴۵	*
۵۱	عبد العزيز بن يحيى	۲۴۴	کتاب
۵۲	عبد الله بن الصلت أبو طالب	۲۱۷	*
۵۳	عبد الله بن سعيد بن حيان	۲۱۷	کتاب
۵۴	عبد الله بن علي بن الحسين	۲۲۷	نسخه
۵۵	عبد الله بن محمد بن حصين	۲۲۷	مسائل
۵۶	عبد الله بن محمد بن علي	۲۲۸	نسخه
۵۷	عثمان بن عيسى أبو عمرو	۳۰۰	کتاب
۵۸	علي بن أسباط بن سالم	۲۵۳	*
۵۹	علي بن الحسن بن رباط	۲۵۱	*
۶۰	علي بن النعمان الأعم	۲۷۴	*
۶۱	علي بن سيف بن عميرة النخعي	۲۷۸	*
۶۲	علي بن علي بن رزين	۲۷۷	کتاب
۶۳	علي بن مهدي بن صدقة	۲۷۸	کتاب
۶۴	علي بن مهزيار الأهوازي	۲۵۴	*
۶۵	عمرو بن سعيد المدائني	۲۸۷	*
۶۶	الفتح بن يزيد الجرجاني ^۱	۳۱۱	مسائل
۶۷	كلثوم بنت سليم	۳۱۹	کتاب
۶۸	محمد بن أبي عمير زياد	۳۲۷	*
۶۹	محمد بن الحسن بن زياد	۳۶۳	*
۷۰	محمد بن القاسم بن الفضيل	۳۶۲	*
۷۱	محمد بن جمهور أبو عبدالله	۳۳۷	رساله و *
۷۲	محمد بن سنان أبو جعفر	۳۲۸	مسائل
۷۳	محمد بن سهل بن اليسع	۳۶۸	مسائل
۷۴	محمد بن صدقة العنبري	۳۶۴	*

۱. در اصل پژوهش به نحوه گزارش نجاشی و شیخ درباره او توجه شده است.

نسخه	۳۶۶	محمد بن عبد الله بن عمرو	۷۵
نسخه	۳۶۶	محمد بن علی بن الحسین	۷۶
نسخه	۳۶۹	محمد بن عمرو بن سعید	۷۷
*	۳۳۸	محمد بن عیسی بن عبد الله	۷۸
مسائل	۳۶۷	محمد بن فضیل بن کثیر	۷۹
*	۴۲۳	مرزبان بن عمران	۸۰
*	۴۱۲	معاویة بن حکیم بن معاویة	۸۱
مسائل	۴۱۱	معاویة بن سعید	۸۲
*	۴۱۲	معمر بن خلاد	۸۳
کتاب	۴۲۴	مقاتل بن مقاتل البلخی	۸۴
کتاب	۴۰۹	موسی بن سلمة	۸۵
کتاب	۴۲۷	نصر بن قابوس اللخمی	۸۶
کتاب	۴۳۲	وریزة بن محمد الغسانی	۸۷
*	۴۳۹	هارون بن عمر بن عبدالعزیز	۸۸
کتاب	۴۳۶	هاشم بن ابراهیم العباسی	۸۹
کتاب	۴۳۶	الهیشم (هیشم) بن عبدالله	۹۰
*	۴۴۲	یحیی بن الحسن بن جعفر	۹۱
مسائل	۵۱۵	یاسر الخادم	۹۲
*	۴۴۷	یونس بن عبد الرحمن	۹۳
*	۴۴۶	یونس بن یعقوب بن قیس	۹۴

۴- نمونه‌های تطبیقی

۴-۱. گزارشی در قالب المسائل

- الحسین بن مهران ابو عبدالله^۱

۱. ابن غضائری، ۵۱.

از وی با تعبیر «ابن ابی نصرالسکونی»^۱ نیز یاد شده است. در حالی که برقی و ابن-غضائری وی را از جمله اصحاب امام کاظم علیه السلام ذکر کرده‌اند^۲، شیخ طوسی در رجال، او را از اصحاب امام رضا علیه السلام یاد می‌کند^۳ و کشی نیز به تفصیل به گزارشی از وی و ارتباط او با امام رضا علیه السلام پرداخته است.^۴ نجاشی، اما با جمع میان این دو رأی، او را از اصحاب هر دو امام برشمرده است.^۵

آنچه درباره اعتقادات وی در کتب رجالی گزارش شده، حاکی از تردیدها و شبهاتی است که وی درباره امامت امام رضا علیه السلام داشته است به نحوی که وی را در ردیف معتقدان به جریان واقفه قرار داده است. هر چند به روشنی از سرانجام این اعتقاد وی اطلاعی در دست نیست. با این همه دو گزارش از کشی درباره وی قابل ملاحظه است. نخست گزارشی از مجلس محمد بن الفضیل با امام رضا علیه السلام است که امام رضا علیه السلام خطاب به "الحسین بن مهران" فرموده‌اند: «اذهب الله نور قلبک و ادخل الفقر بیتک»^۶.

دوم گزارش مکاتبه‌ای از ابن مهران به امام در جهت حل شبهات و مسائلی درباره موضوع واقفه است که امام پاسخ پرسش‌های وی را برای او ارسال می‌کند. امام به الحسین بن مهران دستور عدم کتمان می‌دهد، لذا برای اطلاع یافتن اصحاب از محتوای آن، استنساخ شده است.^۷

تقدم و تاخر این دو گزارش چندان روشن نیست. با این همه گزارشی از حضور سران واقفه - از جمله ابن مهران - در ابتدای امامت امام رضا علیه السلام در نزد ایشان،

۱. رجال النجاشی، ۵۶.

۲. برقی، ۵۱؛ ابن غضائری، ۵۱.

۳. رجال الطوسی، ۳۵۵.

۴. رجال کشی، ص ۵۹۹، رقم ۱۱۲۱.

۵. رجال النجاشی، ۵۶.

۶. رجال کشی، ۵۰۶.

۷. همان، ۵۹۹.

می تواند گواهی بر تاخر دعای امام باشد.^۱ ابن غضائری با تعبیر «واقف ضعیف» از وی یاد می کند.^۲ شیخ در طریق خود به کتاب وی، از فهرست حمید بن زیاد بهره جسته است.^۳ از دیگر سو در کتب روایی شیعه تنها یک روایت از وی به نقل از امام رضا علیه السلام گزارش شده است که صفوان بن یحیی ناقل آن بوده است. در این روایت، دو سؤال فقهی ابن مهران از امام رضا علیه السلام به همراه جواب آن آمده است.^۴

کم شمار بودن نقل از وی، خود می تواند گواهی بر دقت عالمان امامیه در دوره های بعدی در عدم نقل احادیث وی باشد که ممکن است منشاء اعتقادی داشته باشد. با این ملاحظه، می توان جانب واقفی بودن را ترجیح داد.^۵

در میان عالمان رجالی و فهرست نگاران متقدم، شیخ طوسی و ابن غضائری، کتابی برای وی برشمرده اند، کثی از مکاتبه ای از وی با امام یاد کرده است و نجاشی ضمن اشاره به نقل وی از امام کاظم و امام رضا علیه السلام به وجود نگاشته ای با قالب مسائل اشاره می کند.^۶

درباره این گزارشها دو احتمال وجود دارد: نخست آنکه وی یک نوشته با دو تعبیر کتاب و المسائل داشته است. در این صورت تک روایت صفوان از وی، به نقل از همان کتاب و یا به تعبیر دیگر المسائل است. دوم تعدد این تعبیر است، بدین معنا که وی دو اثر با قالب های کتاب و المسائل داشته است.

البته به علت کمی روایات وی، نمی توان قضاوت درستی از اتحاد یا عدم اتحاد این دو اثر ارائه نمود، اما توجه به دو نکته بسیار مهم است: نخست این احتمال است که

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. رجال النجاشی؛ ابن غضائری، همان

۳. الفهرست، ص ۷۴۷

۴. الکافی، ج ۶، ص ۱۵۶.

۵. علامه حلی علاوه بر بهره گیری از کلمات نجاشی و ابن غضائری، از تعبیرات قلیل المعرفه بالرضا و ضعیف الیقین استفاده کرده است. الخلاصه، ص ۲۱۶.

۶. منابع پیشین.

مراد از مسائل مجموعه روایاتی باشد که صفوان نمونه‌ای از آن را با عنوان مسائل الحسین بن مهران یاد کرده است و نامۀ ذکر شده توسط کشی، همان کتابی است که شیخ نام برده است. دوم آنکه در هر دو گزارش نجاشی و شیخ، طریق نقل به عبیدالله بن احمد بن نهبیک ختم می‌شود.

از این رو، و با توجه به تأخر نجاشی و دقت وی، می‌توان حکم به اتحاد این کتاب و مسائل نمود. در این صورت مکاتبه نقل شده توسط کشی، همان المسائل به شمار می‌آید. و می‌توان چنین احتمال داد که عنوان مسائل، برگرفته از قسمت پایانی نامه‌ای است که کشی آن را گزارش می‌کند، و امام در آنجا می‌فرماید: فقد اجبتک فی مسائل کثیره.^۱

- منابع روایی؛

اصول کافی، ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۲۰؛ رجال الکشی، ص ۶۰۰، رقم ۱۱۲۱

- متن المسائل؛

بر اساس روایت رجال الکشی ص ۶۰۰، رقم ۱۱۲۱

«حمدویه قال حدثنا الحسن بن موسى قال حدثنا إسماعيل بن مهران عن أحمد بن محمد قال كتب الحسين بن مهران إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام كتابا. قال: فكان يمشي شاكاً في وقوفه، قال: فكتب إلى أبي الحسن عليه السلام يأمره و ينهاه، فأجابه أبو الحسن عليه السلام بجواب و بعث به إلى أصحابه فنسخوه و رد إليه، لئلا يستره حسين بن مهران. و كذلك كان يفعل إذا سأل عن شيء فأحبّ ستر الكتاب. و هذه نسخة الكتاب الذي أجابه به:

بسم الله الرحمن الرحيم. عافانا الله و إياك. جاءني كتابك تذكر فيه الرجل الذي عليه الخيانة و العين، تقول أخذته و تذكر ما تلقاني به و تبعث إليّ بغيره، و احتججت فيه فأكثر و عبت عليه أمرا و أردت الدخول في مثله، تقول إنه عمل في أمري بعقله و

۱. رجال کشی، ص ۶۰۳.

حيلته، نظرا منه لنفسه و إرادة أن تميل إليه قلوب الناس ليكون الأمر بيده و إليه،
يعمل فيه برأيه و يزعم أنني طاوخته فيما أشار به عليّ
و هذا أنت تشير عليّ فيما يستقيم عندك في العقل و الحيلة بعدك، لا يستقيم الأمر
إلا بأحد أمرين: إما قبلت الأمر على ما كان يكون عليه، و إما أعطيت القوم ما طلبوا و
قطعت عليهم، و إلّا فالأمر عندنا معوج، و الناس غير مسلمين ما في أيديهم من مال و
ذاهبون به

فالأمر ليس بعقلك و لا بحيلتك يكون، و لا تفعل الذي تجيله بالرأي و المشورة، و
لكنّ الأمر إلى الله عز و جل وحده لا شريك له، يفعل في خلقه ما يشاء. من يهدي
الله فلا مضلّ له و من يضلله فلا هادي له، و لن تجد له مرشدا
فقلت و أعمل في أمرهم و أحتل فيه، و كيف لك الحيلة؟ و الله يقول: (و أفسموا
بالله جهد أيمانهم لا يبعث الله من يموت بلى وعدا عليه حقا) [النحل/٣٨] في التوراة
و الإنجيل إلى قوله عز و جل (و ليقتربوا ما هم مقتربون) [الانعام/١١٣].

فلو تجيبهم فيما سألوأ عنه استقاموا و سلّموا و قد كان مني ما أنكرت و أنكروا من
بعدي و مدّ لي لقائي، و ما كان ذلك مني إلا رجاء الإصلاح لقول أمير المؤمنين
صلوات الله عليه: اقتربوا اقتربوا، و سلوا و سلوا، فإن العلم يفيض فيضا؛ و جعل يمسح
بطنه و يقول: ما ملئ طعام و لكن ملاء علم، و الله ما آية نزلت في برّ و لا بحر و لا
سهل و لا جبل إلّا أنا أعلمها و أعلم فيمن نزلت

و قول أبي عبد الله عليه السلام: إلى الله أشكو أهل المدينة إنما أنا فيهم كالشعر أتقل،
يريدونني على أن لا أقول الحقّ، و الله لا أزال أقول الحق حتى أموت. فلما قلت حقا
أريد به حقن دمائكم، و جمع أمركم على ما كنتم عليه أن يكون سرّكم مكنوناً عندكم
غير فاش في غيركم، و قد قال رسول الله صلى الله عليه وآله سرّاً أسره الله إلى جبريل، و أسره
جبريل إلى محمد، و أسره محمد إلى عليّ صلوات الله عليهم، و أسره عليّ إلى من

شاء

ثم قال: قال أبو جعفر عليه السلام: ثم أنتم تحدثون به في الطريق، فأردت حيث مضى صاحبكم أن أَلْفَ أمركم عليكم لئلا تضيّعوه في غير موضعه، و لا تسألوا عنه غير أهله فتكونوا في مسألتكم إياهم هلكتم، فكم دعيّ إلى نفسه و لم يكن داخله ثم قلت: لا بد إذا كان ذلك منه، يثبت على ذلك و لا يتحول عنه إلى غيره. قلت: لأنّه كان من التقيّة و الكفّ أولاً، و أما إذ تكلم فقد لزمه الجواب فيما يسأل عنه، فصار الذي كنتم تزعمون أنكم تدمّون به، فإنّ الأمر مردود إلى غيركم، و إنّ الفرض عليكم اتباعهم فيه إليكم. فصيرتكم ما استقام في عقولكم و أرائكم، و صحّ به القياس عندكم بذلك لازماً، لما زعمتم من أن لا يصحّ أمرنا زعمتم حتى يكون ذلك عليّ لكم

فإن قلت إن لم يكن كذلك لصاحبكم فصار الأمر إن وقع إليكم، نبذتم أمر ربكم وراء ظهوركم (فلا أتبع أهواءكم قد ضللت إذا و ما أنا من المهتدين) [الانعام/٥٦] و ما كان بدّ من أن تكونوا كما كان من قبلكم، قد أخبرتم أنها السنن و الأمثال، القدّة بالقدّة، و ما كان يكون ما طلبتم من الكفّ أولاً و من الجواب آخراً، شفاء لصدوركم و لا ذهاب شككم. و ما كان بدّ من أن يكون ما قد كان منكم، و لا يذهب عن قلوبكم حتى يُذهبه الله عنكم

و لو قدر الناس كلهم على أن يحبّونا و يعرفوا حقنا و يسلموا لأمرنا، فعلوا. (و لكن الله يفعل ما يشاء و يهدي إليه من أناب) [الرعد/٢٧]

فقد أجبته في مسائل كثيرة، فانظر أنت و من أراد المسائل منها و تدبرها. فإن لم يكن في المسائل شفاء، فقد مضى إليكم منّي ما فيه حجة و معتبر، و كثرة المسائل معيبة عندنا مكروهة. إنما يريد أصحاب المسائل المحنة، ليجدوا سبيلاً إلى الشبهة و الضلالة. و من أراد لبساً لبس الله عليه و وكله إلى نفسه. و لا ترى أنت و أصحابك أنّي أجبته بذلك. و إن شئت صمتّ، فذاك إلىّ لا ما تقوله أنت و أصحابك، لا تدرن كذا و كذا، بل لا بدّ من ذلك، إذ نحن منه على يقين، و أنتم منه في شك.»

۴-۲. گزارشی در قالب نسخه

- عبدالله بن محمد بن علی بن عباس

در گزارش مرحوم نجاشی درباره توثیق یا تضعیف وی سخنی گفته نشده، هر چند که بیان مفصل عنوان صاحب اثر - عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی الرازی - می‌تواند اشاره‌ای به جایگاه اجتماعی خاندان او داشته باشد. شیخ نیز به ترجمه وی نپرداخته است. مجموعه یکپارچه روایت وی در *عیون اخبار الرضا* [ع] نقل شده است^۱ که طریق به آن همانند نجاشی^۲ است و سایر مصادر^۳ که چند سطر بعد، یاد می‌شود^۴ نیز تنها بر اساس همین طریق، نسخه را نقل کرده‌اند. غالب این مجموعه، روایات نبوی است و در سلسله اسناد، امامان شیعه قرار دارند. در پاره‌ای از روایات، ناقل روایت از پیامبر، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و یا امیرالمؤمنین علی [ع] است.

مرحوم صدوق برای جلوگیری از تکرار اسناد، پس از ذکر یک سند، این مجموعه را با دو عبارت «بهذا الاسناد» و «باسناد» آورده است. شایان ذکر است این مجموعه مشتمل بر روایات کلامی در اثبات امامت، منزلت و مقامات اهل بیت است.

عنوان کامل صاحب نسخه، عبدالله بن محمد بن علی بن العباس بن هارون التمیمی الرازی است^۳ که فرزندش ابومحمد الحسن از وی نقل کرده است، اما در اسناد بصورت معمول، از جد عبدالله یعنی علی نامی برده نشده است. مثلاً چنین آمده است: «الحسن بن عبدالله بن محمد بن العباس».

۱. *عیون اخبار الرضا* [ع]، ج ۲، ص ۵۸-۶۸، ح ۴۱۴-۳۱۴

۲. *رجال النجاشی*، ص ۲۲۸، رقم ۶۰۳.

۳. *رجال النجاشی*، همان.

نکته دیگر آنکه در طریق مرحوم صدوق در عیون اخبار الرضا (ع) ، الحسن بن عبدالله بن محمد یعنی فرزند صاحب نسخه این اثر را بدون واسطه از امام نقل کرده است.^۱ اما در خلال بیان این مجموعه، مرحوم صدوق به روایت الحسن بن عبدالله بن محمد از پدرش از امام رضا (ع) اشاره می‌کند.^۲

همچنین تمامی گزارشهای پراکنده در سایر کتب، مانند: دلائل الامامة، کمال الدین، الامالی للصدوق،^۳ النخصال و... در مجموعه گزارشهای عیون اخبار الرضا (ع) یافت می‌شود.

منابع روایی

عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۵۸ الی ۶۸، ح ۲۱۴ الی ۳۱۴؛ الامالی للصدوق ص ۷۷، ح ۷ و ص ۲۳۶، ح ۱۰ و ص ۳۳۴، ح؛ النخصال ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۰۸ و ص ۳۰۳، ح ۸۰؛ کمال الدین ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۵۸؛ دلائل الإمامة، ص ۴۵۲، ح ۴۲۸ / ۳۲؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

متن نسخه:

بر اساس عیون أخبار الرضا (ع) ج: ۲ ص: ۵۸ الی ۶۴، روایات ۲۱۴ تا ۳۱۴؛

۱. حدثنا محمد بن عمر بن محمد بن سلم بن البراء الجعابی قال حدثني أبو محمد الحسن بن عبد الله بن محمد بن العباس الرازي التميمي قال حدثني سيدي علي بن موسى الرضا (ع) قال حدثني أبي موسى بن جعفر قال حدثني أبي محمد بن علي قال حدثني أبي علي بن الحسين قال حدثني أبي الحسين بن علي قال حدثني أبي علي بن طالب (ع) قال: قال رسول الله ﷺ: من مات و ليس له إمام من ولدي، مات ميتة جاهلية و يؤخذ بما عمل في الجاهلية و الإسلام.^۴

۱. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۱۴؛ کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۶۴، ح ۲۷۸.

۳. امالی صدوق، ص ۷۷، ح ۷ و عیون أخبار الرضا (ع) ص ۶۴، ح ۵۵۵.

۴. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

٢. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: أنا و هذا يعنى عليا يوم القيامة كهاتين، و ضم بين إصبعيه، و شيعتنا معنا، و من أعان مظلومنا كذلك.

٣. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: من أحب أن يتمسك بالعروة الوثقى، فليتمسك بحبّ عليّ و أهل بيتي.

٤. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: الأئمة من ولد الحسين ﷺ، من أطاعهم فقد أطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله عز و جل. هم العروة الوثقى و هم الوسيلة إلى الله عز و جل.

٥. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: أنت يا عليّ و ولداى خيرة الله من خلقه.

٦. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: خلقت أنا و عليّ من نور واحد.

٧. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: من أحبنا أهل البيت، حشره الله تعالى أمانا يوم القيامة.

٨. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: من أحبك كان مع النبيين فى درجتهم يوم القيامة، و من مات و هو يبغضك فلا يبالي مات يهوديا أو نصرانياً.

٩. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: فى قول الله عز و جل «و قفوههم إنهم مسؤولون»^٢ قال عن ولاية عليّ ﷺ.

١٠. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: لعلى و فاطمة و الحسن و الحسين ﷺ و العباس بن عبد المطلب و عقيل: أنا حرب لمن حاربكم و سلم لمن سالمكم.

١١. و بهذا الإسناد قال: قال عليّ ﷺ: أنت منى و أنا منك.

١٢. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: يا عليّ! أنت خير البشر، لا يشك فيك إلا كافر^٣.

١٣. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: ما زوجت فاطمة إلا لما أمرنى الله بتزويجها.

١٤. و بهذا الإسناد قال: قال رسول الله ﷺ: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، و أعن من أعانه و انصر من نصره و اخذل من اخذله و اخذل عدوه، و كن له و لولده، و اخلفه فيهم بخير، و بارك لهم فيما تعطيهم، و ايدهم بروح القدس، و احفظهم حيث

١. الخصال ج ١، ص ٣١، ح ١٠٨؛ الأمل للصدوق، ص ٢٣٦، ح ١٠ و فى سندهما «حدثني أبي»

٢. صفات (٣٧) / ٤٤.

٣. الأمل للصدوق ص ٧٧، ح ٧ و فى سنده «قال حدثني أبي، عبد بن محمد بن علي بن العباس بن هارون التميمي» التميمي»

توجّهوا من الأرض، و اجعل الإمامة فيهم، و اشكر من أطاعهم، و أهلك من عصاهم، إنك قريب مجيب.

١٥. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: علىّ أول من اتبعني، و هو أول من يصفحني بعد الحق.
١٦. و بهذا الإسناد قال: قال النبي ﷺ: يا عليّ! أنت تبرئ ذمتي و أنت خليفتي على أمتي.
١٧. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم للحق منا، و ذلك حين يأذن الله عز و جل له. و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلك. الله الله! عباد الله فأتوه و لو على الثلج، فإنه خليفة الله عز و جل و خليفتي^١.
١٨. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ و هو أخذ بيد عليّ [عليه السلام]: من زعم أنّه يحبني و لا يحبّ هذا فقد كذب.
١٩. و بإسناده قال: قال رسول الله ﷺ: توضع يوم القيامة منابر حول العرش لشيعتي و شيعة أهل بيتي المخلصين في ولايتنا. و يقول الله عز و جل: هلمّوا يا عبادي إليّ لأنشرون عليكم كرامتي، فقد أوديتهم في الدنيا.
٢٠. و بإسناده عن عليّ قال: قال رسول الله ﷺ: خلقت يا عليّ! من شجرة خلقت منها؛ أنا أصلها و أنت فرعها، و الحسين و الحسن أغصانها، و محبوبنا ورقها. فمن تعلق بشيء منها، أدخله الله عز و جل الجنة.
٢١. و بإسناده عن الحسن بن عليّ عن أبيه [عليه السلام] قال: قال رسول الله ﷺ: لا يبغضك من الأنصار، إلّا من كان أصله يهوديا.
٢٢. و بإسناده قال: قال عليّ [عليه السلام] إنه لعهد النبي ﷺ الأمي إليّ أنه لا يحبني إلا مؤمن و لا يبغضني إلا منافق.
٢٣. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا يحل لأحد يجنب في هذا المسجد، إلّا أنا و عليّ و فاطمة و الحسن و الحسين و من كان من أهلي، فإنهم مني^٢.
٢٤. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: لا يرى عورتي غير عليّ إلا كافر.

١. دلائل الإمامة، ص ٢٥٢، ح ٢٢ / ٢٢٨ و في سنده «عن أبيه».

٢. الأمل للصدوق، ص ٣٣٤، ح ٥.

٢٥. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: ترد شيعتك يوم القيامة رواءً غير عطاشٍ، و يرد عدوك عطاشاً يستسقون فلا يسقون.
٢٦. و بإسناده قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: بغض علي كفر، و بغض بني هاشم نفاق.
٢٧. و بإسناده قال: قال علي عليه السلام: دعا لى النبي صلى الله عليه وآله فقال: اللهم اهد قلبه و اشرح صدره و ثبت لسانه، و قه الحر و البرد.
٢٨. و بإسناده قال: قال علي عليه السلام: أمرت بقتال الناكثين و القاسطين و المارقين.
٢٩. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: تعوذوا بالله من حب الحزن.
٣٠. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: لا يؤدّي عنى إلاّ على، و لا يقضى عداتى إلاّ على.
٣١. و بإسناده عن علي عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال لبني هاشم: أنتم المستضعفون بعدى.
٣٢. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: خير مال المرء و ذخائره الصدقة.
٣٣. و بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله قال: عفوت لكم عن صدقة الخيل و الرقيق.
٣٤. و بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: خير إخوانى على، و خير أعمامى حمزة و العباس صنو أبى.
٣٥. و بإسناده عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله قال: الاثنان و ما فوقهما جماعة.
٣٦. و بإسناده عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله قال: المؤذنون أطول الناس أعتاقاً يوم القيامة.
٣٧. و بإسناده عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله أنه قال: المؤمن ينظر بنور الله.
٣٨. و بإسناده عن علي عن النبي صلى الله عليه وآله قال: باكروا بالصدقة، فمن باكر بها لم يتخطأ الدعاء.
٣٩. و بإسناده قال النبي صلى الله عليه وآله: الحسن و الحسين خير أهل الأرض بعدى و بعد أبيهما و أهمهما أفضل نساء أهل الأرض.
٤٠. و بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله قال: خير نساء ركن الإبل، نساء قريش أحناء على زوج.
٤١. و بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله قال: من جاءكم يريد أن يفرّق الجماعة و يغصب الأمة أمرها و يتولى من غير مشورة فاقتلوه، فإن الله عز و جل قد أذن ذلك.

٤٢. و بإسناده عن رسول الله ﷺ قال: نزلت هذه الآية «الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية»^١ في عليّ.
٤٣. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ في قوله عزوجل «و تعيها أذن واعية»^٢ قال: دعوت الله أن يجعلها أذنك يا عليّ.
٤٤. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: ما رأيت أحدا أبعد ما بين المنكبين من رسول الله.
٤٥. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أول ما يسأل عنه العبد، حينما أهل البيت.
٤٦. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي و لن يفترقا حتى يردا على الحوض^٣.
٤٧. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: كان النبي ﷺ يضحى بكبشين أملحين أقرنين.
٤٨. و بإسناده عن عليّ عليه السلام: دعا لى النبي ﷺ أن يَقِينَى الله عز و جل الحرّ و البرد.
٤٩. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: أنا عبد الله و أخو رسوله، لا يقولها بعدى إلا كذّاب.
٥٠. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال لى النبي ﷺ: فيك مثل من عيسى، أحبه النصارى حتى كفروا، و أبغضه اليهود حتى كفروا فى بغضه.
٥١. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: إن فاطمة أحصنت فرجها، فحرم الله ذريتها على النار.
٥٢. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: محبك محبى و مبغضك مبغضى.
٥٣. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: لا يحبّ عليا إلا مؤمن، و لا يبغضه إلا كافر.
٥٤. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: الناس من أشجار شتى، و أنا و أنت يا عليّ من شجرة واحدة.
٥٥. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال إن النبي ﷺ يتختم فى يمينه.
٥٦. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: تقتل عمارا الفئة الباغية.
٥٧. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من تولى غير مواليه، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين.
٥٨. و بإسناده عن عليّ عليه السلام قال: نهى النبي ﷺ عن وطاء الجبالى حتى يضعن.

١. بقره (٢) / ٤٧٤.

٢. الحاققة (٩٩) / ١٢.

٣. كمال الدين، ج ١، ص ٢٣٩، ح ٥٨، و فى سننه «حدثنى ابى».

٥٩. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: الأئمة من قريش.
٦٠. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من كان آخر كلامه الصلاة عليّ و عليّ عليّ دخل الجنة.
٦١. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: إنكم ستعرضون علي البراءة منّي، فلا تتبرءوا منّي فإنّي علي دين محمد ﷺ.
٦٢. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: لقد علم المستحفظون من أصحاب محمد أنّ أهل صفين قد لعنهم الله علي لسان نبيه، و قد خاب من افتري.
٦٣. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال لي النبي ﷺ: ما سلكت طريقاً و لا فجاً إلّا سلك الشيطان غير طريقك و فجك.
٦٤. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: يقتل الحسين شرّ الأئمة و يتبرأ من ولده من يكفر بي.
٦٥. حدثنا محمد بن عمر الحافظ قال حدثنا الحسن بن عبد الله التميمي قال حدثني أبي قال حدثني سيدي علي بن موسى الرضا عليه السلام عن أبيه موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين عن أبيه الحسين عن فاطمة بنت رسول الله ﷺ إن النبي عليه الصلاة و السلام قال لعلي عليه السلام: من كنت وليه، فعلي وليه و من كنت إمامه فعلي إمامه.
٦٦. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: دفع النبي ﷺ الراية يوم خيبر إليّ فما برحت حتى فتح الله علي يدي.
٦٧. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله. فإذا قالوها فقد حرم عليّ دماؤهم و أموالهم.
٦٨. و بإسناده عن علي عليه السلام قال ما شبع النبي ﷺ من خبز بُرّ ثلاثة أيام، حتى مضى لسبيله.
٦٩. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: سلمان منا أهل البيت.
٧٠. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: أبو ذر صديق هذه الأمة.
٧١. و بهذا الإسناد عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: من قتل حيّة فقد قتل كافراً.
٧٢. و بإسناده عن علي عليه السلام قال: قال النبي ﷺ: يا علي لا تُتبع النظرة، النظرة؛ فليس لك إلا أول نظرة.

٧٣. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: إن النبي ﷺ لما وجهني إلى اليمن، قال: إذا تقوضى إليك، فلا تحكم لأحد الخصمين دون أن تسمع من الآخر. قال: فما شككت في قضاء بعد ذلك.
٧٤. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: لعن الله الذين يجادلون في دينه، أولئك ملعونون على لسان نبيه [عليه و آله السلام]
٧٥. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: «و السابقون السابقون»^١ في نزلت. و قال علي بن أبي طالب في قوله عز و جل «أولئك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون»^٢ في نزلت.
٧٦. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: من قرأ آية الكرسي مائة مرة، كان كمن عبد الله طول حياته.
٧٧. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: خيركم من أطاب الكلام و أطمع الطعام، و صلّى بالليل و الناس نيام.
٧٨. و بإسناده عن علي بن أبي طالب أنه ذكر الكوفة، فقال: يدفع عنها البلاء كما يدفع عن أخبية النبي ﷺ.
٧٩. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: من كذب بشفاعة رسول الله، لم تنله.
٨٠. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: لا تذهب الدنيا حتى يقوم رجل من ولد الحسين، يملؤها عدلا كما ملئت ظلما و جورا.
٨١. و بإسناده عن علي بن أبي طالب أنه شرب قائما و قال: هكذا رأيت النبي ﷺ فعل.
٨٢. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: العلم ضالة المؤمن.
٨٣. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: من غشّ المسلمين في مشورة، فقد برئت منه .
٨٤. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: نحن أهل البيت لا يقاس بنا أحد، فينا نزل القرآن و فينا معدن الرسالة.
٨٥. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: أنا مدينة العلم و علي بابها.
٨٦. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: إن الله عز و جل أطع على أهل الأرض اطلاعة فاختارني، ثم اطلع الثانية فاختارك بعدى، فجعلك القيم بامر أمتي من بعدى، و ليس أحد بعدنا مثلنا.

١. واقعة (٥٦) / ١٠.

٢. مؤمنون (٢٣) / ١٠-١١.

٨٧. وبهذا الإسناد عن علي بن أبي طالب في قول الله عز وجل «و له الجوار المنشآت في البحر كالأعلام» قال: السفن.

٨٨. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: عمار على الحق حين يقتل بين الفئتين إحدى الفئتين، على سبيلي و سنتي، و الأخرى مارقة من الدين خارجة عنه.

٨٩. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: سدوا الأبواب الشارعة في المسجد إلّا باب علي بن أبي طالب.

٩٠. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: إذا متّ ظهرت لك ضعائن في صدور قوم يتمثلون عليك و يمنعونك حقتك.

٩١. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: كفّ علىّ كفىّ.

٩٢. و بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب قال: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله ﷺ إلّا ببغضهم علياً و ولده علياً.

٩٣. و بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: الجنة تشاق إليك و إلى عمّار و سلمان و أبي ذر و المقداد.

٩٤. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: إن أمتي ستغدر بك بعدى، و يتبع ذلك برّها و فاجرها.

٩٥. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: من سبّ علياً فقد سبني و من سبني، فقد سبّ الله.

٩٦. و بإسناده قال: قال النبي ﷺ: أنت يا عليّ في الجنة، و أنت ذو قرنيها.

٩٧. و بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب قال: خطبنا أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب فقال: سلوني عن القرآن، أخبركم عن آياته فيمن نزلت و أين نزلت.

٩٨. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال النبي ﷺ: إني أحبّ لك ما أحبّ لنفسى، و أكره لك ما أكره لها.

٩٩. و بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب قال: قال لى بريدة: أمرنا رسول الله ﷺ أن أسلم على أبيك بإمرة المؤمنين.

١٠٠. و بإسناده عن الحسين بن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ لعليّ: بشرّ لشيعتك أنى الشفيع لهم يوم القيامة يوم لا ينفع إلّا شفاعتى.

١. الرحمن (٥٥) / ٤٤.

٢. الخصال، ج ١، ص ٣٠٢، ح ٨٠.

۱۰۱. و بإسناده عن علي بن أبي طالب قال: قال رسول الله ﷺ: وسط الجنة لي ولأهل بيتي.

۶- دامنه منابع مورد جستجو

منابع مورد استفاده در این پژوهش که از طریق نرم افزار جامع احادیث مورد استفاده قرار گرفته است، عبارتند از؛

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی الآلی*، ۴ ج، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ه.ق.
۲. ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی، *العمده*، ۱ ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *التحصین*، ۱ ج، قم، امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ه.ق.
۴. _____، *عده الداعی و نجاح الساعی*، مصحح: موحدی قمی، احمد، بی جا، مکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ه.ق.
۵. احمد بن موسی بن طاوس، *بناء المقالة الفاطمية*، ۱ ج، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۱ ه.ق.
۶. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمة*، مصحح: مجتبی، فرجی، ۷ ج، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ه.ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، ۲ ج، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ه.ق.
۸. استرآبادی، سید شرف الدین حسینی، *تأویل الآيات الظاهرة*، ۱ ج، قم، جامعه المدرسین، ۱۴۰۹ ه.ق.
۹. اسکافی، محمد بن همام، *التمحیص*، ۱ ج، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۰. امام رضا علیه السلام، *صحیفة الرضا علیه السلام*، ۱ ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۱. _____، *طب الرضا علیه السلام*، ۱ ج، قم، خیام، ۱۴۰۲ ه.ق.
۱۲. _____، *فقه الرضا علیه السلام*، ۱ ج، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، ۱ ج، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه.ق.
۱۴. حرانی، حسن بن شعبه، *تحف العقول*، ۱ ج، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۵. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، مصحح: محمدباقر محمودی، ۲ ج، تهران، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۶. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الاستاد*، ۱ ج، تهران، کتابخانه نینوی، بی تا.
۱۷. سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، *التحصین*، ۱ ج، قم، موسسه دارالکتب، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۸. _____، *فرج المهموم*، قم، دارالذخائر، بی تا.
۱۹. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، *خصائص الائمة*، ۱ ج، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۰. شعیری، محمد بن محمد، *جامع الاخبار*، ۱ ج، نجف، کتابخانه حیدریه، بی تا.
۲۱. شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، ۴ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ه.ق.

۲۲. _____، الغيبة، قم موسسه معارف اسلامي، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۳. _____، تهذيب الأحكام، ۱۰ج، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ه.ش.
۲۴. _____، مصباح المتعجب، ۱ج، بيروت، موسسه فقه الشيعه، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۵. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ۲۹ج، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ه.ق.
۲۶. شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه، معاني الاخبار، ۱جلد، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ه.ق.
۲۷. _____، من لا يحضره الفقيه، ۴ج، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۳ه.ق.
۲۸. _____، التوحيد، ۱ج، قم، جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ه.ق.
۲۹. _____، ثواب الأعمال، ۱ج، قم شريف رضى، ۱۳۶۴ه.ش.
۳۰. _____، علل الشرايع، قم، مكتبه الداوري، بي تا.
۳۱. _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، جهان، ۱۳۷۸ه.ق.
۳۲. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، قم، مكتبه الداوري، بي تا.
۳۳. شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه، التوحيد، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۹۵ه.ق.
۳۴. شيخ قطب الدين، سعيد بن عبدالله بن حسين راوندی، الخرائج و الجرائح، قم، موسسه امام مهدي (عج)، ۱۴۰۹ه.ق.
۳۵. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، كنجره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۶. _____، الامالي، مصحح: علي اكبر غفاري، ۱ج، قم، كنجره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۷. طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج على اهل اللجاج، مصحح: سيد محمدباقر خراسان، ۲ج، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ه.ق.
۳۸. طبري آملی صغير، محمد بن جرير بن رستم، دلائل الامامة، ۱ج، قم، بعثت، ۱۴۱۳ه.ق.
۳۹. عبدالله و حسين ابنا بسطام، طب الأئمة (عليهم السلام)، ۱ج، قم، شريف رضى، ۱۴۱۱ه.ق.
۴۰. علامه زين الدين، علي بن يونس نباطي بياضي، الصراط المستقيم، نجف، كتابخانه حيدريه، ۱۳۸۴ه.ق.
۴۱. علامه مجلسي، محمد باقر بن محمد تقي مجلسي، بحار الانوار، ۱۱۰ج، بيروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ه.ق.
۴۲. علي بن هاشم بن ابراهيم قمی، تفسير التقي، ۲ج، قم، موسسه دارالكتب، ۱۴۰۴ه.ق.
۴۳. عماد الدين، محمد بن ابی قاسم طبري، بشارة المصطفى، ۱ج، نجف اشرف، كتابخانه حيدريه، ۱۳۸۳ه.ق.
۴۴. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، ۲ج، تهران، چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ه.ق.
۴۵. كراچكي، محمد بن علي، كنز الفوائد، مصحح: نعمه، عبدالله، ۲ج، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ه.ق.
۴۶. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ۸ج، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ه.ش.

۴۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات*، ج ۱، چاپ و نشر، ۱۴۱۰ه.ق.
۴۸. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ه.ق.
۴۹. محمد بن حسن بن فروخ صفار، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی، ۱۴۰۴ه.ق.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیة*، ج ۱، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ه.ق.
۵۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۹ه.ق.
۵۲. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* (خاتمه المستدرک)، ۲۸ جلد، قم موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ه.ق.

سایر منابع

۱. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی، *عوالی الآلی*، ج ۴، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ه.ق.
۲. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، *الصواعق المحرقة*، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ه.ق.
۳. ابن صباغ مالکی، *الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۹ه.ق.
۴. استرآبادی، محمدجعفر شریعتمدار، *لب اللباب*، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸ه.ش.
۵. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، تحقیق: موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ه.ق.
۶. تهرانی، ملاعلی کنی، *توضیح المقال*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ه.ش.
۷. جدیدی نژاد، معجم *مصطلحات الرجال و الدراییة*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ه.ش.
۸. حارثی، حسن بن عبدالصمد، *وصول الاحیاء الى اصول الاحیاء*، تحقیق: عبدالطیف کوه کمری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۴۰۱ه.ق.
۹. حسینی، محمد بن محمدباقر، *الرواشح السماویة*، قم، موسسه ولی عصر، ۱۴۱۹ه.ق.
۱۰. خوئی، ابوالقاسم بن سید علی اکبر موسوی، *معجم رجال الحديث*، ج ۲۳، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ه.ق.
۱۱. خنجی، ابن روزبهان، *وسيلة الخادم الى المخدوم*، قم، انصاریان، ۱۳۷۵ه.ش.
۱۲. سمهودی، علی بن عبدالله، *جواهر العقدين فی فضل الشرفین*، بغداد، وزارة الاوقاف، ۱۴۰۷ه.ق.
۱۳. شهید ثانی، زین الدین علی بن احمد، *الرعاية فی علم الدراییة*، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی، ۱۴۱۳ه.ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، *جامع المقال*، تحقیق: محمدکاظم طریحی، تهران، چاپخانه حیدریه، بی تا.
۱۵. عاملی کاظمی، سید حسن صدر، *نهاية الدراییة*، تحقیق: ماجد غرباوی، نشر مشعر، بی تا.
۱۶. *عدة الرجال*
۱۷. *فصلنامه کلام اسلامی*، ش ۸۵، موسسه تعلیماتی - تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۲ه.ش.
۱۸. مامقانی، عبدالله، *تتمیح المقال*، نجف اشرف، چاپخانه المرتضویه، بی تا.

۱۹. _____، مقياس الهداية، تحقيق: محمدرضا مامقانی، قم، موسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۱ه.ق.
۲۰. وحيد بهبهانی، محمداقر بن محمد اکمل، فوائدالوحيد، تحقيق: سيدمحمدصادق بحرالعلوم، قم، مکتب اعلام اسلامي، ۱۴۰۴ه.ق.

